



Prospects for an Arab States Military Coalition in the Persian Gulf Considering Geopolitical Influences

Reza Rahimi

PhD in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: reza_rahimi68@ut.ac.ir

Kiumars Yazdanpanah

Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: kyazdanpanah@ut.ac.ir

Abstract

In the years leading up to 2020, the geopolitical region of Southwest Asia experienced significant developments, influenced by factors such as the efforts of certain Arab states to form a military coalition. These initiatives increased tensions and the potential for conflict in the region. The proposed Arab military coalition, shaped by geopolitical considerations, has raised questions about the feasibility of its establishment in the near future. This study, grounded in the neo-realist theoretical framework, identifies and analyzes the geopolitical factors affecting this coalition. Using cross-impact analysis techniques and expert opinions, the study evaluates the likelihood of forming the coalition. The results indicate that, due to some stronger disruptive factors, the probability of the coalition's formation is low. Under these circumstances, regional states are encouraged to reduce tensions and pursue new military and security collaborations to bring an end to cycles of war and insecurity.

Keywords: Arab Military Coalition, Security, Iran, Cross-Impact Analysis, Southwest Asia, Geopolitics.



امکان سنجی شکل گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه خلیج فارس با تأکید بر زمینه های ژئوپلیتیکی مؤثر

رضا رحیمی

دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Reza_rahimi68@ut.ac.ir

کیومرث یزدان پناه

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: kyazdanpanah@ut.ac.ir

چکیده

در سال های منتهی به سال ۲۰۲۰ میلادی، منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، متأثر از برخی عوامل ژئوپلیتیکی مثل تلاش برخی کشورهای عربی برای شکل دهی به یک ائتلاف نظامی عربی، با تحولات فراوانی مواجه شد که زمینه های تنش و درگیری را در منطقه افزایش داد. ائتلاف نظامی عربی مورد اشاره که متأثر از زمینه های ژئوپلیتیکی در منطقه طرح ریزی و دنبال می شود؛ برای بسیاری این سؤال را به وجود آورده است که آیا می توان در آینده نزدیک انتظار تحقق چنین ائتلافی را داشت؟ پژوهش حاضر که بر مبنای نظریه نواقع گرایی، به شناسایی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر این ائتلاف نظامی پرداخته؛ با بهره گیری از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نظر کارشناسان در پی امکان سنجی شکل گیری این ائتلاف نظامی برآمده است. براساس نتایج مطالعه پیش رو و متأثر از برخی عوامل مختل کننده که قدرت اثرگذاری بیشتری دارند؛ احتمال شکل گیری این ائتلاف، ضعیف ارزیابی می شود. در این شرایط بایسته است کشورهای منطقه ضمن تلاش برای کاهش زمینه های تنش، فصل جدیدی از همکاری های نظامی و امنیتی را باهدف پایان دادن به دوران جنگ و ناامنی در پیش بگیرند.

کلیدواژه ها: ائتلاف نظامی عربی، امنیت، ایران، تکنیک اثرات متقاطع، جنوب غرب آسیا، ژئوپلیتیک.

مقدمه

تشکیل ائتلاف‌های فراگیر و ایجاد زمینه همکاری و تعامل منطقه‌ای همواره مورد توجه و تأکید کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی غرب آسیا بوده است. به همین دلیل از دیرباز این منطقه شاهد تلاش‌هایی برای ائتلاف میان کشورها مثل ناتوی اسلامی که با هدف مقابله بانفوذ اندیشه‌های مارکسیسم طراحی شده بود، بوده است. شورای همکاری خلیج فارس نیز که به منظور تأمین دسته‌جمعی امنیت خلیج فارس شکل گرفت؛ در همین راستا قابل تفسیر است؛ تلاش‌هایی که البته هیچ‌یک نتوانستند به نتایج مؤثری دست یابند. افزایش تنش و درگیری منطقه جنوب غرب آسیا در سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ میلادی و رخداد‌های ناامن کننده‌ای نظیر تشکیل گروه‌های تروریستی و نیز وقوع جنگ میان برخی کشورها از سویی و از سوی دیگر آشفته‌گی سیاسی پیش آمده در بسیاری از کشورهای منطقه مثل عراق، سوریه، بحرین، یمن و غیره برخی کشورها را بر آن داشت؛ تا این بار با حمایت قدرت‌های غربی، در پی شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی در منطقه باشند.

در این راستا به صورت مشخص کشورهای عربی منطقه به‌ویژه عربستان سعودی، در پی آن برآمدند تا با کمک آمریکا به تشکیل یک ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس اقدام کنند؛ و با این کار با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران و افزایش قدرت نظامی و منطقه‌ای ایران، در منطقه مقابله کنند. نشانه‌های جدی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس، در سال ۲۰۱۷ میلادی و هم‌زمان با تشدید علاقه کشورهای عربی خلیج فارس، برای شکل‌دهی به این ائتلاف- که بسیاری از تحلیل‌گران بر روی آن «ناتوی عربی» نام گذاشتند- مشاهده شد. در همین سال بود که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان سعودی سفر کرد و با رهبران بیش از پانزده کشور عربی منطقه دیدار کرد. در همین دیدار بود که زمزمه‌های شکل‌گیری «ناتوی عربی» نیز جدی شد؛ و روزنامه آمریکایی «دهیل»^۱ در مطلبی با عنوان «ناتوی عربی با وجود اسرائیل می‌تواند وجود داشته باشد»^۲؛ بیان کرد که تشکیل ناتوی عربی تلاشی دوباره برای مقابله با ایران است؛ چیزی شبیه به اقدام نظامی رژیم صدام در زمان ریگان.

ازجمله مسائلی که تاکنون سبب شده تا بستر ایجاد ائتلافی منسجم میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس فراهم نشود؛ می‌توان به پراکندگی جغرافیایی کشورهای اسلامی، تفاوت برداشت این کشورها از رویکردهای سیاسی و بین‌المللی

۱. The hill

۲. An 'Arab NATO' Including Israel Can Exist if it Stays Quiet



ایران، ماهیت متفاوت حکومت‌های اسلامی، تعامل‌های فرهنگی و اقتصادی ریشه‌دار برخی از این کشورها با ایران، تمایل نداشتن برخی کشور برای پذیرش رهبری عربستان سعودی در جنوب غرب آسیا، همراهی ناقص کشورهای فرامنطقه‌ای اشاره کرد. این بار اما کشورهای عربی منطقه، به‌ویژه عربستان سعودی با همراهی برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا تلاش می‌کنند در قالب طرحی جدید و کاملاً متفاوت، به مقابله با ایران و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی آن بپردازند؛ امری که در قالب ایده جدید ناتوی عربی دنبال می‌شود؛ و بنا بر دلایلی مانند افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، افزایش رقابت‌های اقتصادی و نظامی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، تشدید تنش‌های ایران و آمریکا و غیره احتمال شکل‌گیری آن افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی تضعیف محور مقاومت و به‌صورت مشخص جمهوری اسلامی ایران را باید کانون توجه چنین تلاش‌هایی دانست. تلاش‌هایی که متأثر از عواملی نظیر افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، نقش‌آفرینی ضد ایرانی آمریکا در منطقه و نیز افزایش قدرت نظامی ایران در منطقه طرح‌ریزی و دنبال می‌شود؛ و برای بسیاری از کارشناسان این سؤال را به وجود آورده است که آیا می‌توان در آینده نزدیک انتظار تحقق چنین ائتلافی را داشت؟ برپایه همین سؤال و نگرانی‌های امنیتی، پژوهش حاضر بر مبنای نظریه نوواقع‌گرایی، به شناسایی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری این ائتلاف نظامی و نیز عوامل ژئوپلیتیکی مانع پرداخته شده است. نتایج مطالعه پیش رو نشان داد؛ با این‌که روند شکل‌گیری تنش و تهدید در منطقه خلیج فارس و به‌ویژه میان ایران و عربستان افزایشی است؛ اما متأثر از برخی عوامل مختل‌کننده احتمال شکل‌گیری این ائتلاف پایین است.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی و تحلیلی - ترکیبی است و در آن برای رسیدن به نتایج مطلوب و ارزیابی صحیح فرضیه‌ها، علاوه بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، از مدل دلفی و نیز تکنیک تحلیل اثرات متقاطع استفاده شد. توضیح این‌که روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است؛ که از طریق توزیع پرسش‌نامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل‌شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد (Adler & Ziglio, 1996, p. 252).

تکنیک تحلیل اثرات متقاطع نیز یکی از روش‌های مطالعاتی در حوزه آینده‌پژوهی

است که با بررسی روابط علی و معلولی میان عوامل مؤثر بر یک موضوع به سناریوهای ممکن و محتمل آینده دست می‌یابد. روش مطالعاتی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع در این پژوهش، بر این پرسش استوار است که کیفیت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در حاشیه خلیج فارس و نیز موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی به چه صورت است و تحقق آن در فضای کنونی جنوب غرب آسیا تا چه میزان جدی است؟ در این پژوهش مفاهیم و شاخص‌های اصلی که تصور می‌شود در فرایند شکل‌گیری و وقوع یک پدیده مؤثر هستند؛ شناسایی شده و با کمک نظر کارشناسان به صورت دوجه‌دو با یکدیگر قیاس شده و میزان اثر هر کدام بر دیگری سنجیده می‌شود و این کار با کمک نرم‌افزار میک‌مک انجام می‌شود. در این نرم‌افزار رابطه میان مؤلفه‌ها از عدد صفر تا ۳ محاسبه می‌شود. به این شکل که عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد ۱ به منزله تأثیر ضعیف، عدد ۲ به منزله تأثیر متوسط و عدد ۳ به منزله تأثیر زیاد است (بهشتی و زالی، ۱۳۸۹: ۵۹).

۲. تعریف مفاهیم و نظریه‌ها

چهارچوب نظری و مفاهیم مهم مقاله پیش رو از بحث نظری مرتبط با هژمونی که نواقع‌گرایانه مطرح می‌کنند و نیز الگوهای رابطه ژئوپلیتیکی که متأثر از زمینه‌ها و دلایل مختلف ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرند، حیات گرفته است. در ادامه به اهم مباحث مرتبط با این پژوهش اشاره می‌شود:

۲-۱. آینده‌پژوهی

به مجموعه تلاش‌هایی که با جست‌وجو در منابع، الگوها و عوامل متغیر یا ثابت باهدف تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها صورت می‌گیرد؛ «آینده‌پژوهی»^۱ می‌گویند. در این پژوهش معادل امکان‌سنجی در نظر گرفته شده است. در این دانش تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های علمی، به‌جای تصور ساده آینده، به گمانه‌زنی‌های مبتنی بر دانش در مورد چندین آینده پرداخته شود (Myer, 2000, p. 2). هرگاه در مورد آینده صحبت می‌شود؛ باید به این مهم توجه کرد که، ملاک شرایط مطلوب یک سامانه در آینده، پایداری آن در شرایط کنونی یا احتمال رسیدن به پایداری در آینده نزدیک است. در رویکرد سیستم‌های انطباق‌پذیر نبود پایداری و تغییرات مداوم یک سامانه، ثبات و پایداری آن را به چالش می‌کشد (Dixon et al, 2014, p. 134). پژوهش‌گران آینده‌پژوهی

۱. futures study



عقیده دارند این دانش تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، فناوری، محیط‌زیست، سیاست، اقتصاد و اجتماع است؛ که می‌توان در چهارچوب برخی مطالعات هدفمند به آن دست یافت و با داشتن تصویری روشن از آینده به برنامه‌ریزی‌هایی برای جلوگیری از تهدیدها و افزایش فرصت‌ها پرداخت و به بهتر شدن آنچه در آینده رخ خواهد داد؛ کمک کرد (Kameoka et al, 2004, p. 580).

۲-۲. ژئوپلیتیک

مفهوم ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلتی ذاتی دارند. درواقع مسائل موضوعات و پدیده‌های مورد توجه ژئوپلیتیک به گونه‌ای با این سه عنصر ارتباط پیدا می‌کنند. از این‌رو موضوع ژئوپلیتیک را روابط متقابل بین آن‌ها تشکیل می‌دهد. بنابراین تعریف ژئوپلیتیک عبارت است از: «مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست». در این تعریف جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی، ساختارها و سیستم‌های سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کنش و رفتار سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود، مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین عنصر قدرت که از سوی بازیگران سیاسی اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها، افراد و غیره به کار گرفته می‌شود؛ در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی و بین‌المللی، شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، علمی، فناوریانه، ارتباطی-رسانه‌ای و غیره است (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵).

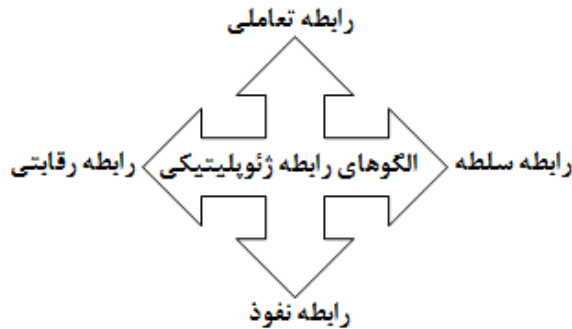
۲-۳. منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی بخشی از سطح زمین اعم از فضای خشکی یا آبی و یا تلفیقی از این دو است؛ که در آن عوامل سیاسی و جغرافیایی دارای تجانس و هویت مشخص با کارکردی مشترک باشند و به همین دلیل از سایر نواحی قابل تفکیک‌اند. این مناطق را می‌توان بستری مناسب برای شکل‌گیری الگوهای فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای قلمداد کرد؛ که در صورت تکامل می‌توانند به سازه ژئوپلیتیکی تبدیل شوند. در این شرایط می‌توان در این مناطق فرایندهای هم‌گرایی، واگرایی، ستیز و یا همکاری را مشاهده کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲). درواقع مناطق ژئوپلیتیکی شامل بخش‌های جغرافیایی کوچک در مناطق ژئواستراتژیک هستند که

معمولاً از تجانس جغرافیایی و هماهنگی های محیط انسانی بیشتری در یک یا همه زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

۲-۴. الگوهای رابطه ژئوپلیتیکی

منظور از روابط ژئوپلیتیکی روابطی است که براساس عناصر مؤثر در ساخت مفهوم ژئوپلیتیک یعنی سیاست، قدرت و جغرافیا میان برخی کشورها و بازیگران سیاسی شکل می گیرد و در همین راستا منجر به کنش هایی متفاوت در بستر جغرافیا می شود. در شکل گیری این روابط عنصر جغرافیا در نقش بسترسازی، عنصر قدرت در نقش شکل دهنی و ماهیت دادن به الگوها ایفای نقش می کنند. روابط ژئوپلیتیکی میان بازیگران از الگوهای گوناگونی شکل می گیرد که می توان آن ها را تعاملی، رقابتی، نفوذ و سلطه نام گذاری کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۶۳).



شکل ۱: الگوهای رابطه ژئوپلیتیکی منبع: نگارندگان

۳. نظریه های نوواقع گرایی در مورد ائتلاف های نظامی

نظریه های نوواقع گرایی که افرادی مانند والتز و کیندرمان بازنگری و اصلاح کردند؛ براساس فرضیات مشخصی شکل گرفته که در آن هرج و مرج اساس نظام بین الملل معرفی شده است. کشورها نیز بیش از هر چیز بر منافع شخصی فکر می کنند و تنها به دلیل مقابله با دشمن وارد اتحادیه می شوند؛ اتحادیه نیز بدون دشمن از بین می رود. نظریه هایی که نوواقع گرایانه در ادبیات علمی جهان طرح کردند؛ چرایی شکل گیری ائتلاف های نظامی را از ابعاد مختلف بررسی می کنند (Waltz, 1979, p. 79). به بیان دیگر آن ها نظریه های مختلف شکل گیری ائتلاف های فراملی را در منطقه ای ژئوپلیتیکی مطرح می کنند که از جمله آن ها می توان به نظریه موازنه قوا، موازنه تهدید، موازنه منافع و نظریه هژمونی اشاره کرد. موازنه قوا که توسط افرادی چون والتز مطرح شده



است؛ ناظر بر این نکته مهم بیان می‌شود که کشورها باهدف ممانعت از شکل‌گیری جنگ و آسیب دیدن امنیت ملی به سمت شکل‌دهی به یک ائتلاف می‌روند تا در برابر کشوری که در منطقه مورد نظر قدرتمند شده و به‌احتمال سلطه آن می‌رود؛ بایستند و با آن مقابله کنند.

به دیگر سخن از نظر نوواقع‌گرایانه، دولت‌ها زمانی دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند که موازنه در مقابل تهدید را ضروری احساس کنند؛ اما ایجاد هر اتحاد یا هم‌گرایی به درجه انسجام و قدرت آن، از آزادی عمل کشورهای عضو ائتلاف می‌کاهد و هزینه‌هایی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند (Gelpi, 1999, p. 107). نظریه موازنه تهدید را افرادی چون، والت مطرح می‌کنند و به نظر آن‌ها کشورهای حاضر در یک منطقه ژئوپلیتیکی، باهدف ایجاد با موازنه بر ضد تهدیدهایی که نسبت به آن‌ها احساس خطر می‌کنند؛ دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند. جدا از دو نظریه بالا یکی از اندیشمندان دانش روابط بین‌الملل یعنی «اشولر» با انتقاد از نظریه موازنه قوا و موازنه تهدید، نظریه دیگری با عنوان نظریه موازنه منافع را مطرح می‌کند. براساس این نظریه عامل مهم برای شکل‌دهی به یک ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع است؛ و این مسیر با بی‌توازی قدرت یا تهدید طی نمی‌شود (Waltz, 1979, p. 91-97). در کنار نظریه‌هایی که مورد اشاره قرار گرفت؛ نظریه دیگری نیز وجود دارد که برای اولین بار «جوزف نای» به آن اشاره کرد. این نظریه که هژمونی نام دارد؛ ناظر بر این است که کشورهای یک منطقه ژئوپلیتیکی در صورت موفق به شکل‌دهی به یک ائتلاف می‌شوند؛ که یک کشور قدرتمند و مؤثر آن‌ها را به این سمت سوق دهد (Brilmayer, 1994, p. 24). بر اساس این نظریه کشور قدرتمند در مسیر شکل‌دهی به ائتلاف نظامی، باید از قدرت اقتصادی مناسب و ابزار کافی در این زمینه مثل منابع عمده اقتصادی، مواد خام، منابع سرمایه، بازار و برتری بی‌رقیب در تولید کالاهایی که ارزش بسیار بالایی دارند، برخوردار باشد. همچنین این قدرت برتر باید از پشتوانه‌های دیگری مثل اراده ملی و پذیرش بین‌المللی نیز برخوردار باشد (George, 1993, p. 198-202). براساس مطالب بالا در نظریه نوواقع‌گرایی و نظریه‌های زیرمجموعه، دلایل فراوانی برای افزایش تمایل کشورهای یک منطقه ژئوپلیتیکی برای ساخت ائتلاف‌های نظامی وجود دارد. براساس اندیشه نظریه‌پردازان این حوزه نه تنها قدرت هدف‌نهایی در کنش‌های بین‌المللی نیست؛ بلکه ابزاری دوسویه است که اگر در میزان و نوع بهره‌مندی از آن افراط و یا تفریط صورت بگیرد؛ ضمن برهم خوردن موازنه قدرت، احتمال افزایش مخاطره و آسیب دیدن امنیت نیز وجود دارد.

۴. عوامل موفقیت یا شکست ائتلاف های منطقه ای

همان طور که پیش تر اشاره شد برای انجام صحیح فرایند پژوهش حاضر نیاز است تا اقدام به شناسایی مؤلفه های مؤثر بر ساخت و یا نابودی ائتلاف های منطقه ای به ویژه در حوزه نظامی شود تا وزن و میزان اثرگذاری این مؤلفه ها در قالب تکنیک تحلیل اثرات متقاطع شناسایی و ارزیابی شود. در رابطه با عوامل موفقیت ائتلاف های منطقه ای پژوهشگران به مواردی مثل همگونی کشورهای عضو، برخورداری از مشروعیت بومی، داشتن قدرت حل و فصل منازعات داخلی، اثرگذاری کم قدرت های ثالث در منازعات داخلی، ناتوانی سازمان های بین المللی در حل مشکلات منطقه ای، تأثیری پایین از قدرت های فرامنطقه ای و غیره اشاره می کنند. آن ها همچنین عواملی مثل مبهم بودن مفهوم منطقه، نقش اثرگذار و مخرب قدرت های جهانی و فرامنطقه ای، نبود استقلال نسبی در کشورها، تنوع و سیال بودن سازمان های منطقه ای، پایین بودن ضمانت اجرایی سازمان های منطقه ای، محدودیت های مالی، تجربیات شکست خورده پیشین، عدم فراگیری، مشکلات داخلی کشورها، نفوذ سیاسی، کاربرد وسایل قهرآمیز و غیره را در ناکامی و شکست ائتلاف ها مؤثر می دانند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۶).

۵. قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر را به صورت مشخص، منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا تشکیل می دهد؛ اما از آنجایی که ماجرایی که شکل گیری ائتلاف نظامی خلیج فارس بیشتر در میان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مطرح و پیگیری می شود؛ عمده مطالعات و بررسی ها در این پژوهش حول محور این منطقه و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است. با این حال به دلیل در میان بودن نام برخی کشورهای دیگر غرب آسیا و شمال آفریقا در این ائتلاف احتمالی، مثل یمن، اردن، مصر، لیبی و تونس، این کشورها نیز به قلمرو پژوهش افزوده شدند؛ تا نوعی از پیوستگی (نقشه زیر نوعی از پیوستگی جغرافیایی است) شکل بگیرد و قلمرو مشخص پژوهش حاضر شود.



شکل ۱: منطقه جغرافیایی جنوب غرب آسیا و کشورهای حاضر در این منطقه (منبع: نگارندگان)

۶. یافته‌های پژوهش

مطالعات نشان داد در مسیر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس، تعداد زیادی از عوامل مؤثر شکل‌گیری و نیز موانع مؤثر وجود دارد که نادیده گرفتن آن‌ها هرگونه تحلیل، ارزیابی و نتیجه‌گیری را به‌اشتباه می‌کشاند. در پژوهش حاضر ضمن جمع‌آوری این شاخص‌ها تلاش شد تا با روش تحقیق ترکیبی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری، به ارزیابی دقیق شاخص‌های مؤثر پرداخته و از آن‌ها برای نتیجه‌گیری صحیح و مبتنی بر واقعیت استفاده شود. به نظر نگارندگان عواملی چون افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس، رقابت کشورهای عربی با ایران برای تصاحب بازار انرژی، مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس تأثیر مستقیم دارند. به این معنا که کشورهای عربی خلیج فارس نگران هستند ایران برپایه عواملی که ذکر شد در یک رقابت ژئوپلیتیکی تنگاتنگ با آن‌ها، به‌همراه دیگر متحدانش در محور مقاومت گوی سبقت را از آن‌ها ربوده و به یک قدرت برتر و غیرقابل‌مهار تبدیل شود؛ شرایطی که از قرار معلوم و براساس تحولات مشهود آن‌ها را بر آن داشته با کمک‌گیری از متحدان فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا در پی شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی برآیند تا در برابر ایران به قدرت بازدارندگی و چه‌بسا هجومی کافی دست یابند.

از سوی دیگر نگارندگان پژوهش حاضر، روابط حسنه ایران با عمان به‌عنوان یکی

از کشورهای عربی مؤثر در خلیج فارس، بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، نگرانی رقابتی اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل گیری این ائتلاف و تسری پیامدهای آن به منافع این کشورها، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف و درگیری آن‌ها با اعتراضات داخلی، افکار عمومی داخلی کشورهای عربی و شکاف دولت - ملت در این کشورها، تلاش‌های میانجی‌گرایانه پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان و نیز هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار را از جمله موانع شکل‌گیری این ائتلاف می‌دانند که فرایند تحقق چنین ائتلافی را با مشکل روبه‌رو کرده است. حقیقتی که تاکنون نیز روند دستیابی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به یک ائتلاف نظام‌مند و سازمان‌یافته را ناقص باقی گذاشته است. بر همین اساس نیاز است برای رسیدن به یک تصویر واقعی از آینده این تحرکات وزن آن‌ها را نسبت به وزن عوامل مؤثر موردسنجش قرار داد؛ موضوعی که در این پژوهش برای رسیدن به آن از تهیه پرسش‌نامه و کسب اطلاع از متخصصان و نیز تکنیک تحلیل اثرات متقاطع استفاده شد.

در پرسش‌نامه‌ای که پیش‌تر به آن اشاره شد؛ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی از سویی و از سوی دیگر موانع مؤثر در قالب طیف لیکرت مورد پرسش کارشناسان قرار گرفت تا پس از جمع‌آوری نظر آن‌ها و تبدیل این پاسخ‌های کیفی به کمی و نیز وارد کردن آن به نرم‌افزار میک‌مک خروجی‌های پژوهش استخراج شود. در ادامه به این عوامل مؤثر و نیز موانع در قالب جدول اشاره می‌شود:

جدول ۱: عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس (ناتوی عربی)				
۱	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران که در سال‌های اخیر مورد تأکید مقام‌های عالی‌رتبه ایران بوده است تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد
		خیلی زیاد	زیاد	کم
۲	افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان که در سال‌های اخیر روند صعودی داشته است تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد
		خیلی زیاد	زیاد	کم
۳	نقش آفرینی قدرتهای فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها که مصداق بارز آن را فعالیت‌های رئیس‌جمهور کنونی آمریکا و تأثیرپذیری عربستان سعودی از او می‌توان دانست تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد
		خیلی زیاد	زیاد	کم
۴	نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس تا چه میزان در ترغیب	خیلی زیاد	زیاد	کم



کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۵ حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۶ مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۷ توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
موانع مؤثر بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس (ناتوی عربی)				
۱ روابط حسنه‌ی ایران با عمان تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۲ بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۳ نگرانی رقابتی اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۴ عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۵ فشار افکار عمومی داخلی کشورهای عربی تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۶ میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۷ هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟				
خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم

براساس پرسش‌نامه بالا که اساس تحقیق نیز بود و براساس خروجی‌های آن ماتریس مورد نظر تهیه شد؛ به‌منظور کمی‌سازی داده‌ها برای هرکدام از گزینه‌های پاسخ‌نامه از خیلی کم به خیلی زیاد به ترتیب عدد ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد که نتایج آن در زیر می‌آید.

جدول ۲: ترکیب عوامل و موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی

میانگین نمرات	ترکیب عوامل و موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی
۴/۰۶	۱ مانع بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی
۴	۲ مانع عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف
۳/۹۳	۳ عامل افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان
۳/۵۳	۴ عامل نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس
۳/۴۶	۵ عامل افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران
۳/۲۶	۶ عامل نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها
۳/۱۳	۷ عامل توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام
۳	۸ مانع روابط حسنه ایران با عمان
۲/۶۶	۹ مانع نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف
۲/۴۶	۱۰ مانع میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان
۲/۴	۱۱ عامل حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج‌فارس و رقابت با ایران
۲/۳۳	۱۲ مانع هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار
۲/۱۳	۱۳ مانع فشار افکار عمومی داخلی کشورهای عربی
۲/۰۶	۱۴ عامل مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس

با این توضیح که خانه‌های سفید جدول اشاره به مؤلفه‌های مانع و خانه‌های رنگی اشاره به عوامل مؤثر دارد؛ در جدول بالا می‌توان به ترتیب اهمیت و میزان اثرگذاری هرکدام از مؤلفه‌ها را ردیابی کرد. به این معنی که مؤلفه بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، به‌عنوان یک مانع شکل‌گیری از نظر متخصصان بالاترین میزان اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج‌فارس را دارد و از آن‌سو مؤلفه



مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌عنوان یک عامل مؤثر در این فرایند از پایین‌ترین میزان اثرگذاری برخوردار است. همان‌طور که نگاه کلی به جدول بالا نشان می‌دهد؛ عوامل شکل‌گیری و نیز موانع شکل‌گیری این ائتلاف به‌صورت کاملاً تفکیک شده در جدول ترتیب نیافتند و برهمین‌اساس نمی‌توان به‌صورت قطعی و براساس این جدول قضاوت کلی و قاطعانه‌ای در مورد احتمال و یا عدم احتمال شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی انجام داد؛ شرایطی که ایجاب کرد برای به دست آوردن تصویر بهتر از کیفیت اثرگذاری هر مؤلفه و نقش آن‌ها در این فرایند به سراغ تکنیک تحلیل اثرات متقاطع رفته و از این روش کمی پژوهش نیز بهره ببریم. پیش از ورود به تکنیک تحلیل اثرات متقاطع لازم است اشاره شود که نمره میانگین کلی عوامل و موانع شکل‌گیری براساس جدول و پرسش‌نامه بالا به ترتیب ۳/۱۱ و ۲/۹۴ محاسبه شد که برتری نسبی را به‌احتمال شکل‌گیری ائتلاف می‌دهد. بااین‌حال نظر به نزدیک بودن این دو عدد و ترتیب آشفته مؤلفه‌ها در رتبه‌بندی به‌دست‌آمده؛ استفاده از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع برای رسیدن به یک تصویر گویا اجتناب‌ناپذیر است. با تأکید بر این مهم که به‌دلیل ضرورت رعایت اختصار در ترسیم ماتریس، ۱۰ مؤلفه دارای امتیاز بیشتر در ماتریس مورد استفاده قرار گرفت. توضیح این‌که جامعه آماری پانزده متخصصی که این ماتریس را پر کردند؛ داده‌هایی را به دست داد که پس از تحلیل با نرم‌افزار، مبنای تحلیل پژوهش حاضر قرار گرفت. متخصصانی که در تکمیل رابطه میان متغیرهای این پژوهش همکاری داشتند؛ همانند پرسش‌نامه طیف لیکرت شامل استادان رشته جغرافیایی سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، خوارزمی، دانشگاه اصفهان و شهید بهشتی بودند. براساس پرسش‌نامه‌ای که مورد اشاره قرار گرفت و نیز نظر متخصصان نتایج زیر حاصل شد که مبنای ارزیابی قرار گرفت.

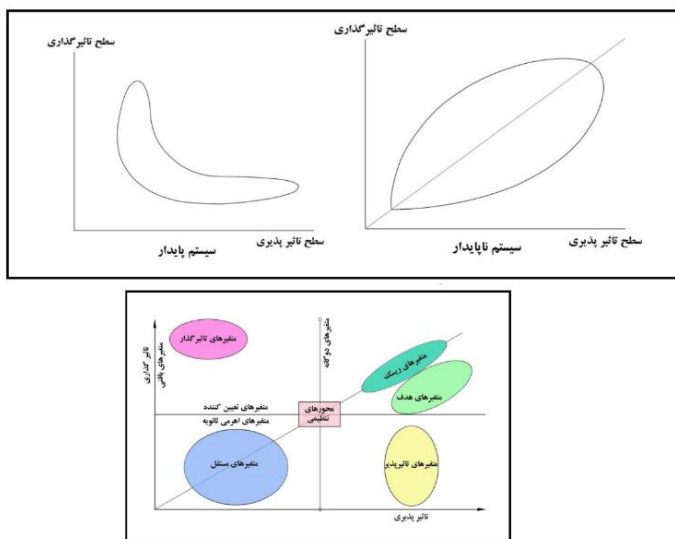
جدول ۳: اثرات متقاطع (میانگین نمرات کارشناسان)

میانجی: 10	رقبا: 9	صنایع: 8	برجام: 7	فترت‌ها: 6	تسلیمات: 5	وابستگی: 4	نشن: 3	مصر: 2	فلسطین: 1
میانجی: 10	3	3	3	2	2	2	3	3	0
رقبا: 9	1	1	3	2	3	3	3	0	3
صنایع: 8	3	1	2	2	3	3	0	2	3
برجام: 7	2	0	0	0	1	0	3	0	1
فترت‌ها: 6	1	1	1	0	2	0	3	0	1
تسلیمات: 5	0	2	3	3	3	3	3	3	3
وابستگی: 4	1	0	0	0	2	1	0	0	1
نشن: 3	3	3	3	2	3	3	3	0	3
مصر: 2	3	0	0	0	2	1	2	1	0
فلسطین: 1	0	3	3	2	2	2	3	2	2
میانجی: 10	0	3	3	3	2	2	2	2	3

جدول ۴: عوامل و موانع شکل گیری ائتلاف (استفاده شده در ماتریس)

نماد	عوامل و موانع شکل گیری ائتلاف نظامی عربی استفاده شده در ماتریس	
۱	بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی	قطر
۲	عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف	مصر
۳	افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان	تنش
۴	نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس	وابستگی
۵	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران	تسلіحات
۶	نقش آفرینی قدرت های فرامنطقه ای و تأثیر گذاری آن ها	قدرت ها
۷	توافق هسته ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام	برجام
۸	روابط حسنه ایران با عمان	عمان
۹	نگرانی رقبا ی اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل گیری ائتلاف	رقبا
۱۰	میانجی گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان	میانجی

همان طور که پیش تر اشاره شد؛ در نرم افزار میک مک ابتدا متغیرهای مهم شناسایی و در ماتریس گنجانده می شوند تا کارشناسان در مورد آن ها اظهار نظر کنند. این نرم افزار خروجی های گوناگونی دارد که به طور کلی به دو نوع تقسیم می شود. در خروجی نرم افزار اگر عوامل موجود حول محور قطرها قرار بگیرند؛ این مسئله حکایت از ناپایداری سامانه و اگر به شکل L باشد گویای پایداری سامانه است (بهشتی و زالی، ۲۰۱۱: ۶۱). وضعیت قرارگیری عوامل در بخش های مختلف مختصات در محور تأثیر گذاری و تأثیر پذیری نیز امکان های گوناگونی برای تحلیل صورت می دهد که در شکل پایین قابل مشاهده است. همچنین تحلیل اثرات مستقیم در این تکنیک می تواند ویژگی های ذاتی هر یک از عوامل را در محیط شکل گرفته از همه عوامل تبیین کند و در نهایت به منظور تحلیل کلیدی ترین و اثرگذارترین عامل باید از مقایسه دو تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم بهره برد (ملکزاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۵).



شکل ۱. وضعیت قرارگیری عوامل توسعه در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (محمّدپور و دیگران، ۱۳۹۵: ۵).

نرم‌افزار میک‌مک دو نوع تحلیل و نمودار و گراف تحلیلی نشان می‌دهد؛ یکی اثرات مستقیم و دیگری اثرات غیرمستقیم. تحلیل اثرات مستقیم، نتیجه برهم‌کنش داده‌های ماتریس اولیه است که مورد تأکید این مقاله است و تحلیل اثرات غیرمستقیم، نتیجه محاسبه توان‌های بالاتر و تکرار ماتریس اولیه است که در این پژوهش براساس پیشنهاد اولیه نرم‌افزار تکرار دو انتخاب شده است.

جدول ۵. تعداد تکرار محاسبه ماتریس اثرات متقاطع

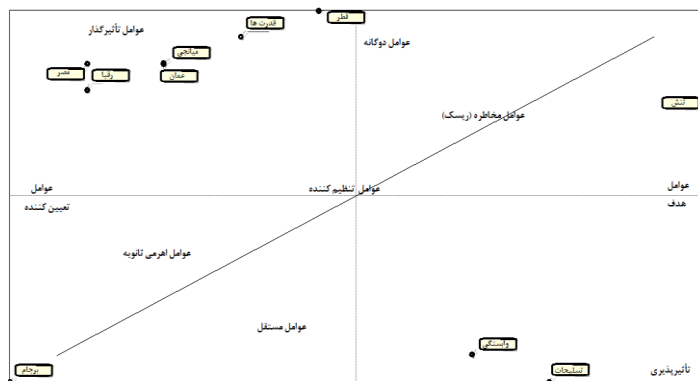
Iteration (تکرار)	Influence (تأثیر)	Dependence (وابستگی)
۱	٪۸۲	٪۸۷
۲	٪۹۶	٪۱۰۰

همان‌طور که اشاره شد؛ اثرات مستقیم در پژوهش حاضر مورد تأکید قرار دارد. بر همین اساس ویژگی‌های کلی اثرات مستقیم ماتریس تهیه شده برای ۱۰ مؤلفه منتخب که کارشناسان اقدام به پاسخ‌گویی در مورد آن کردند، به شرح زیر است.

جدول ۶. ویژگی‌های اثرات مستقیم (MDI)

شاخص	اندازه ماتری س	تعداد تکرار	بدون تأثیر (صفر)	تأثیر اندک (یک)	تأثیر میان (دو)	تأثیر زیاد (سه)	میزان پرسدگی
مقدار	۱۰*۱۰	۲	۱۹	۱۶	۲۶	۳۹	٪۸۱

در ادامه ضمن اشاره به خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک به تحلیل موقعیت و وزن مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج‌فارس پرداخته خواهد شد.



شکل ۲. جدول مختصات تکنیک تحلیل اثرات متقاطع

جدول ۷. عوامل اصلی مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی

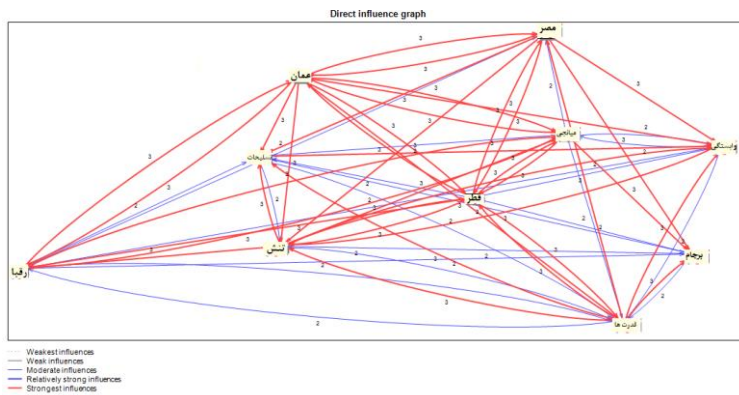
عوامل تأثیرگذار	بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، نقش آفرینی قدرت‌های فرمانطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان، روابط حسنه ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف
عوامل تأثیرپذیر	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران و نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس
عوامل مستقل	توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام



افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان

عوامل

هدف



شکل ۳. نمودار تأثیرات مستقیم بین عوامل

تحلیل یافته‌ها

استفاده از پرسش‌نامه طیف لیکرت در مورد میزان اثرگذاری عوامل مؤثر و نیز مانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس، به دلیل آشفتگی و ترتیب نامنظم عوامل از این حیث که نظم مشخصی میان عوامل مؤثر و یا مانع شکل نگرفت؛ اجازه اظهارنظر قاطع در مورد وضعیت شکل‌گیری این ائتلاف را به نگارندگان نداد. براساس آنچه در جدول شماره ۲ آمد؛ دو مؤلفه مانع یعنی بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی و عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با این ائتلاف از نظر کارشناسان، بیشترین تأثیر را بر فرایند شکل‌گیری این ائتلاف داشت؛ اما از آن‌سو مؤلفه‌های افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و برجام به‌عنوان عوامل مؤثر رتبه‌های ۳ تا ۷ را به خود اختصاص دادند.

پس از این مؤلفه‌های مؤثر نیز مؤلفه‌هایی چون روابط حسنه ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان به‌عنوان عوامل مانع به ترتیب در رتبه‌های ۸ تا ۱۰ قرار گرفتند. همچنین مؤلفه حجم نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس

و رقابت با ایران به‌عنوان مؤلفه مؤثر بر شکل‌گیری در رتبه ۱۱ قرار گرفت. مؤلفه‌های هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار و فشار افکار عمومی کشورهای عربی به‌عنوان عوامل مانع به ترتیب در رتبه ۱۲ و ۱۳ و مؤلفه مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز در رتبه ۱۴ قرار گرفتند. آشفتگی در نتایج حاصل از پرسش‌نامه طیف لیکرت، نگارندگان پژوهش را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات مستقیم جایگاه، وزن و نوع اثرگذاری هر مؤلفه را براساس خروجی‌های نرم‌افزار این تکنیک یعنی نرم‌افزار میک‌مک بسنجند. براساس آنچه در اشکال مرتبط با خروجی نرم‌افزار و در شکل‌های ۴ و ۵ دیده می‌شود؛ میزان اثرگذاری هر مؤلفه منتخب بر روی مؤلفه دیگر و نیز نوع اثرگذاری هر کدام متفاوت و به‌روشنی قابل ارزیابی است. مطابق با شکل شماره ۴ مؤلفه‌ها نه در محور قطرها پراکنده شدند که ناظر بر ناپایداری سامانه باشد و نه به شکل I. جایابی شدند که گویای پایداری سامانه باشد. بنابراین به استناد این مهم می‌توان آشفتگی سامانه و ناپایداری آن را که ناظر بر به‌هم‌ریختگی تحولات کنونی و آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس است، برداشت کرد.

جدا از موضوع مورد اشاره و براساس جایابی صورت گرفته در جدول مختصات، مشاهده شد که از میان ۱۰ مؤلفه عامل و مانع اثرگذار بر شکل‌گیری ائتلاف که در این پژوهش به‌صورت پیش‌فرض و براساس مطالعات انتخاب شده بودند؛ ۵ مؤلفه مانع شکل‌گیری ائتلاف، یعنی عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف، روابط حسنه ایران با عمان، بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان به‌عنوان عامل تأثیرگذار مهم و اصلی انتخاب شدند؛ و از میان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تنها مؤلفه نقش‌آفرینی قدرت‌های فرمانطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها به‌عنوان عامل اثرگذار اصلی انتخاب شد. رویه‌ای که اثبات می‌کند در شرایط کنونی و براساس خروجی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع، این مؤلفه‌های مانع شکل‌گیری هستند که از اثرگذاری قوی‌تری برخوردارند؛ و با وجود چنین مؤلفه‌هایی احتمال شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس چندان بالا نخواهد بود.

براساس خروجی این تکنیک، مؤلفه توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ موسوم به برجام به‌عنوان یک عامل مستقل تعیین شد و این جایابی را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که این مؤلفه در جریان شکل‌گیری ائتلاف نظامی از قدرت و وزن چندانی برای تأثیرگذاری



مستقیم بر شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری ائتلاف برخوردار نیست. همچنین دو مؤلفه افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران و نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که براساس مطالعات انجام شده و نیز پیش‌فرض پژوهش تصور می‌شود؛ به‌عنوان عوامل جدی شکل‌گیری ائتلاف باشند؛ براساس خروجی‌های نرم‌افزار مورد اشاره در جایگاه عوامل تأثیرپذیر جایابی شدند. وضعیتی که نشان می‌دهد این دو مؤلفه نه علت چنین شرایط و تحولاتی بلکه معلول شرایط کنونی منطقه هستند. به این معنا که کشورهای حاضر در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به‌ویژه ایران متأثر از آشفتگی کنونی و نگرانی‌های امنیتی در پی تقویت زیرساخت‌ها و توان نظامی خود هستند و از سویی نیز این آشفتگی حاکم است که وابستگی‌های اقتصادی و همکاری‌های تجاری کشورهای عربی منطقه را با ایران به‌شدت کاهش داده است. شرایطی که اگر تغییر یابد و سامانه به سمت پایداری حرکت کند؛ احتمال تغییر روابط میان ایران و کشورهای عربی و ایجاد پیوندهای اقتصادی و تجاری میان شمال و جنوب خلیج فارس ایجاد خواهد شد.

در میان مؤلفه‌های منتخب، مؤلفه افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان نیز که تصور می‌شد عامل مؤثر بر شکل‌گیری باشد؛ براساس خروجی نرم‌افزار عامل هدف تعیین شد و معنای این جایابی آن است که یا از سویی هدف نهایی کنش‌های کنونی بازیگران افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان است و یا از سویی خروجی این تحولات و آشفتگی سامانه به تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان منجر خواهد شد. مستند بر خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس از قدرت اثرگذاری بیشتری بر فرایند شکل‌گیری این ائتلاف نسبت به عوامل مؤثر برخوردار هستند. با تأکید بر این مهم که، در حال حاضر با آشفتگی که بر منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس حاکم است؛ می‌توان با اطمینان بالایی این‌گونه نتیجه گرفت که احتمال شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس در شرایط کنونی پایین است. یافته‌های پژوهش را می‌توان با انطباق دلایل ژئوپلیتیکی عوامل شکست شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای با شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر ائتلاف نظامی عربی نیز برداشت کرد؛ ائتلاف سامانه نیافته‌ای که با مبهم بودن الگوی شکل‌گیری، تأثیرپذیری شدید از قدرت‌های فرامنطقه‌ای، عدم اجماع نظر، موازی بودن با سایر ائتلاف‌های مطرح و یا فعال، دشواری در تأمین بی‌طرفی، مداخله در امور داخلی سایر کشورها و غیره روبه‌رو است. این ائتلاف که هنوز شکل نگرفته و کشورهایی مثل عربستان سعودی در پی شکل‌دهی به آن هستند؛ جدا از دارا بودن

ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که به‌عنوان عامل شکست شکل‌گیری ائتلاف مطرح هستند؛ همچنین از بسیاری ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که به‌عنوان عامل موفقیت یک ائتلاف معرفی شده است، نیز بی‌بهره است. به‌طور مثال کشورهای درگیر با ائتلاف با یکدیگر چندان همگون نیستند و نیز بسیاری از آن‌ها فاقد مشروعیت عمومی هستند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا با بهره‌گیری از دانش ژئوپلیتیک و نیز رویکرد نوواقع‌گرایی و نظریه‌های زیرمجموعه آن که به موضوع شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه پرداخته‌اند؛ امکان‌پذیری و یا عدم امکان‌پذیری شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه خلیج فارس با تأکید بر زمینه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر، مورد ارزیابی قرار بگیرد. انجام پژوهش در این زمینه از آن جهت مهم است که، دانسته شود هم‌زمان با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا به‌ویژه سواحل شرقی دریای مدیترانه، تعداد زیادی از کشورهای عربی منطقه به رهبری عربستان سعودی و با دریافت اطمینان‌های لازم از سوی قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا در پی شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی برآمدند تا ضمن تقویت موقعیت خود در جنوب غرب آسیا مانند زمینه‌های تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه فراهم کنند.

هم در دانش ژئوپلیتیک و هم در دانش روابط بین‌الملل هرکدام به‌نوعی به دلایل و زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه و به‌ویژه ائتلاف‌های نظامی پرداخته شده است. جدا از دانش ژئوپلیتیک و مبحث الگوهای ژئوپلیتیکی این دانش که به‌واسطه چهار رابطه رقابتی، سلطه، نفوذ و تعامل امکان تحلیل و ارزیابی یک ائتلاف نظامی فراهم می‌شود؛ در دانش روابط بین‌الملل نیز نوواقع‌گرایانه در رابطه با چرایی علاقه کشورها به شکل‌دهی به ائتلاف نظامی ترس از یک یا چند کشور رقیب و مسائلی مانند تلاش برای موازنه قوا، موازنه تهدید و موازنه منافع را مورد اشاره قرار می‌دهند و در این میان، نظریه هژمونی را که به معنای اثرگذاری قدرت برتر ساخت‌های بین‌المللی متحد و همگراست مطرح می‌کنند؛ نظریه‌هایی که می‌توان برای تفسیر و تحلیل هرگونه تمایل به شکل‌دهی ائتلاف در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی از آن‌ها استفاده کرد. از آنجایی که در این پژوهش تصور این بود که کشورهای عربی علاقه‌مند به شکل‌دهی ائتلاف نظامی علیه ایران، بانگیزه کاهش قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و متأثر از فشارهای آمریکا در پی چنین اقدامی برآمده‌اند؛ ۱۴ مؤلفه مؤثر که انطباق مطالعات کتابخانه‌ای با واقعیت نشان می‌داد در این فرایند مؤثر هستند؛ استخراج شد



و با کمک روش پژوهش تحلیلی-ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفت.

در این پژوهش شناسایی وزن و جایگاه هر مؤلفه مؤثر بر شکل‌گیری و یا عدم شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس با کمک روش‌های پرسش‌نامه‌ای مثل دلفی و نیز تکنیک تحلیل اثرات متقاطع بررسی شد. براساس نتایج اولیه که پس از انجام پرسش‌نامه طیف لیکرت و وزن‌دهی به عوامل مؤثر و مانع در فرایند شکل‌گیری ائتلاف به دست آمد؛ به ترتیب مؤلفه‌های بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام، روابط حسنه ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف، میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان، حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران، هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار، فشار افکار عمومی داخلی کشورهای عربی و مذهب و زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بر این فرایند به‌صورت مثبت و منفی اثرگذار شناسایی شدند. با این توضیح که برخی مؤلفه‌ها دارای اثر مثبت و برخی دیگر دارای اثر منفی بودند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها از طریق پرسش‌نامه طیف لیکرت و کمی‌سازی صورت گرفته، مشاهده شد که جدول استخراج شده فاقد نظم و ترتیب مشخص است. به این معنا که برخی مؤلفه‌های مؤثر بر فرایند شکل‌گیری و برخی مؤلفه‌های مانع دارای وزن نزدیک به هم و یا ترتیب آشفته بودند که اجازه جمع‌بندی با قطعیت بالا را مبنی بر بالا بودن احتمال شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری کاهش داد. هرچند ترتیب آشفته قرارگیری مؤلفه‌های مؤثر و غیر مؤثر که از خروجی پرسش‌نامه نخست حاصل شد؛ اجازه جمع‌بندی با درصد بالا را فراهم نکرد؛ اما به کمک همین جدول و از میان ۱۴ مؤلفه انتخابی ۱۰ مؤلفه دارای وزن قوی‌تر فارغ از مؤثر بر شکل‌گیری یا مانع بودن انتخاب شد؛ تا نگارندگان پژوهش برای دستیابی به نتایج بهتر ۱۰ مؤلفه با وزن بیشتر یعنی بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام، روابط حسنه ایران با

عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان را انتخاب و با کمک تکنیک تحلیل اثرات متقاطع مورد ارزیابی قرار دهند؛ تا از این طریق وزن و جایگاه هر مؤلفه در این فرایند مشخص شود.

براساس خروجی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع، ۵ مؤلفه بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، روابط حسنه ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان که مطابق مطالعات پیشین عوامل مانع شکل‌گیری ائتلاف انتخاب شده بودند؛ به‌عنوان عوامل تأثیرگذار ارزیابی شدند. از سویی نیز از میان مؤلفه‌هایی که به‌عنوان عامل مؤثر بر فرایند شکل‌گیری انتخاب شده بودند؛ تنها مؤلفه نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا براساس این تکنیک به‌عنوان عامل تأثیرگذار انتخاب شد؛ واقعیتی که مطابق آن می‌توان با درصد احتمال بسیار بالاتری عدم شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی مورد اشاره را در حال حاضر و نیز آینده نزدیک نتیجه‌گیری کرد. خروجی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع همچنین نشان داد که یکی از اهداف و نتایج قطعی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی یا همان ناتوی عربی، تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان خواهد بود؛ موضوعی که قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکایی‌ها در پی آن هستند و با تحقق کامل آن منافع قابل‌توجهی را به دست خواهند آورد.

از سویی نیز افزایش توان تسلیحات نظامی ایران و نیز نبود وابستگی اقتصادی قابل‌توجه میان ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس که تصور می‌شد نقش مؤثری بر شکل‌گیری ائتلاف داشته باشد؛ براساس تکنیک مورد استفاده در این پژوهش مؤلفه‌های تأثیرپذیر ارزیابی شدند. ایران در پی تقویت توان نظامی خود است و همین رویه باعث کاهش وابستگی اقتصادی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس با ایران شده است. جمع‌بندی نهایی این‌که براساس پژوهش حاضر، تلاش سال‌های اخیر عربستان سعودی که در سایه کمک‌های مالی و معنوی آمریکا آغاز شد و در ادامه با گردهمایی تعداد قابل‌توجهی از کشورهای عربی خلیج‌فارس و شمال آفریقا احتمال شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی عربی ضد ایرانی موسوم به ناتوی عربی را مطرح کرد؛ حداقل در حال حاضر و نیز در آینده نزدیک به‌صورت تمام و کمال محقق نخواهد شد؛ این ائتلاف شکل نخواهد گرفت. چرایی این مسئله را نیز می‌توان در موارد مهمی که به‌طور پیش‌فرض زمینه‌ساز شکل‌گیری هم‌گرایی هستند، جست‌وجو کرد. به‌طور مثال



همگونی بیشتر کشورها منطقه، مشروعیت عمومی، حل‌وفصل مؤثر منازعات و محدود بودن طرف‌های سوم ازجمله دلایل موفقیت هم‌گرایی است و از آن‌سو مواردی نظیر تنوع سازمان‌های منطقه‌ای، کم‌تر بودن ضمانت‌های اجرایی، ناتوانی در اثرگذاری فرامنطقه‌ای و فراگیر نبودن ازجمله دلایل عدم موفقیت هم‌گرایی‌هاست؛ مسائل مهمی که براساس پژوهش اثرگذاری موانع قوی‌تر است. همچنان‌که پیش‌تر و در بخش تجزیه‌وتحلیل اشاره شد؛ این ائتلاف نظامی از بسیاری ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که عامل موفقیت ائتلاف‌ها هستند، بی‌بهره است و از آن‌سو بسیاری از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر ناکامی ائتلاف بر آن اثرگذار است. باین‌همه شرایط موجود به استمرار ناامنی در خلیج فارس کمک خواهد کرد و تنش‌های میان ایران و عربستان نه‌تنها روابط این دو قدرت منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا را بیش‌ازپیش سرد خواهد کرد؛ بلکه زمینه افزایش ناامنی را در این منطقه فراهم خواهد کرد. در چنین شرایطی بهتر است جمهوری اسلامی ایران ضمن آگاهی نسبت به عدم تحقق ناتوی عربی حداقل در آینده نزدیک، بااطلاع و آگاهی از خسارت‌های تلاش‌هایی که در این مسیر صورت می‌گیرد؛ به دنبال کاهش تنش‌ها با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌صورت جداگانه برآید و ضمن کاهش انگیزه کشورهای نظیر قطر و امارات برای پیوستن به این ائتلاف، مسیر و اهداف تلاش‌های ضد ایرانی را به سود خود تغییر دهد. تلاش برای افزایش مناسبات با قدرت‌های میانی مؤثر بر این فرایند نظیر هند، ترکیه و روسیه از دیگر نکات مهمی است که برای پیشگیری شکل‌گیری ائتلاف لازم است در دستور کار مقامات سیاسی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد. علاوه‌براین مسائل مسئولان سیاسی و اجرایی ایرانی نباید از آسیب و خسارت‌های قطعی تلاش‌های آغازشده برای شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی غافل باشند و در همین راستا لازم است تقویت توان نظامی و امنیتی و نیز رصد مداوم تحولات منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در دستور کار قرار بگیرد.

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳). نقش سازمان‌های منطقه‌ای در پایداری امنیت کشورهای عضو. ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره پنجم و ششم.
- بهشتی، محمدباقر؛ زالی، نادر (۱۳۹۰). شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی برپایه سناریو: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی. مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۳۹۰ شماره ۱، ٲیوٲی ۷۱
- پورمحمدی، محمدرضا؛ زالی، نادر (۱۳۸۹). تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه، (نمونه موردی: آذربایجان شرقی). مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). تعریفی نو از ژئوپلیتیک. فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ٲاییز و زمستان، دوره ۱۵، شماره ۳-۴
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، ٲیروز (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت
- ملک‌زاده، ندا، و همکاران (۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه شهری با رویکرد آینده‌نگاری، (مطالعه موردی: کلان‌شهر کرج). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سوم، شماره ۲ ٲاییز و زمستان، ۵۹۳۱ شماره ٲیوٲی ۱
- منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۱). سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران. {رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران}



References

- Brilmayer, L (1994). American Hegemony. New Haeven: Yale University Press.
- Dixon, T et al (2014). Urban Retrofitting: Identifying Disruptive and Sustaining Technologies Using Performative and Foresight Techniques. Technological Forecasting and Social Change.
- Ekovich, S (2003). Iran and New Threats in the Persian Gulf and Middle East, Chapter in Hall Gardner, Ed., NATO and the European Union: New World, New Europe, New Threats.
- Garfinkle, A (2015). The Geopolitical Frame in the Contemporary Middle East. Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, July 14
- Gelpi, Ch (1999). Alliance as Instruments of Intra Allied Control, in Haftendorn. Keohane and Wallander, Op.Cit
- George, J (1993). Of Incarceration and Closure: Neo-Realism and New/Old World, Millennium. Journal of International Studies, Vol. 6, No. 12
- Hunter, S (1984). Arab, Iranian Relations and Stability in Persian Gulf. Washington Quarterly, Vol. 7, No. 3
- Kameoka, A et al (2004). A Challenge of Integrating Technology Foresight and Assessment in Industrial Strategy Development and Policymaking, Echnological Forecasting and Social Change
- Michael, Adler., & Erio, Ziglio (1996). Gazing Into the Oracle: the Delphi Method and its Application to Social Policy and Public Health, Jessica Kingsley Publishers
- Myer, D., & Kitsuse, A (2000). Constructing the Future in Planning: A Survey of Theories and Tool, Journal of Planning Education and Research, Vol. 19, No. 3
- Ray, J (1998). Global Politics. NewYork Vanderbilt University
- The Hill Website (2017). An 'Arab NATO' Including Israel Can Exist if it Stays Quiet, 24 May
- Waltz, K (1979). Theory of International Politics.